

صفحه ۳
صفحه ۳
صفحه ۴
صفحه ۴
صفحه ۴

صفحه حزب
ایسکرا میبوسد
رویدادهای ایران
نگاهی به اخبار جهان
از نشریات داخل

سخنرانی اختتامیه رحمان حسین زاده
در کنگره اول حزب کمونیست
کارگری عراق

کمپین دفع از کارگران ایران

صفحه ۳

صفحه ۲

منصور حکمت

زیر حجاب اختناق

استبداد و خفقان، جبرا نمایی وارونه و مخدوش از حقایق سیاسی جامعه ترسیم میکند. همیشه سقوط رژیمهای دیکتاتوری عاقبتی جز آنکه ناظران سیاسی بر مبنای مشاهدات پیشین انتظار کشیده اند بهار آورده است. کاملاً قابل فهم است که چگونه در یک فضای مختنق ماهیت و توان و برنامه نیروها و احزاب سیاسی، توازن قوای میان نیروهای اجتماعی، جهت و شتاب روند های سیاسی و از همه مهم تر تمایلات سیاسی و اجتماعی واقعی خود مردم و طبقات مختلف اجتماعی بدرستی بروز پیدا نمیکند و منعکس نمیشود. ایران تحت سلطه رژیم اسلامی نمونه زنده یک محیط سیاسی خفه با سیمای سیاسی مخدوش و روندهای تاریخساز پنهان و پوشیده است. با حساب نمودهها، شخصیتهای سیاسی حال و آینده ایران را باید در میان خاتمی ها و یزدی ها و سروشها جستجو کرد، ظاهراً کارگر و کمونیست نیرویی در مرکز صحنه سیاسی نیست، ظاهراً سرنوشت آینده ایران را لبخند خاتمی و مزاج خامنه ای قرار است رقم بزند، ظاهراً مباحثات آینده ساز در ایران همان نشخوار چند باره مقولات انقلاب مشروطیت و روایات آخوندیزه شده از خواست "عدالتخانه" است که زیر تیتر "جامعه مدنی" صفحات نشریات ظاهراً "دینفود" محافل ظاهراً "دگراندیش" پیرامون خود رژیم را انباشته است. خبرنگاران و خبرتراشان، شرق شناسان، متخصصین دول غربی، احزاب ملی و میهنی، گروهها و دستجات جهان سومی و شرقزده ای که برای دوره ای بدلتالی خارج از اراده خویش دچار عارضه خود کمونیست پنداری شده بودند، همه با اشتیاق به این صحنه آشفته و این تصویر معوج خیره شده اند و باور و نظر و الهامشان را از آن میگیرند. اگر اینها را باور کنیم، ایران در آستانه یک رستگاری اسلامی دیگر است. آخوندهای اهلی، با اسلامی معطر به گلاب مدرنیته، با دگراندیشانی به اندازه کافی مسلمان و مسلمانانی به اندازه کافی دگر اندیش، با قانونی ملهم از فقه و فقهی تابع قانون، قرار است ایران را در روندی تدریجی و بدور از آشوب و انقلاب وارد جمهوری اسلامی دوم کنند. و این آن "جامعه مدنی" است که به زعم حجره دار نمازخوان بازار و پسران خارج درس خوانده اش، مردم ایران یک قرن است آرزو و استحقاقش را دارند. ایران از قرار در این مسیر افتاده است.

اما در پس این معرکه، تاریخ واقعی در جهت دیگری سیر میکند. باید فراتر را نگاه کرد. گوش را باید به زمین چسباند و لرزش بنیادهای این نظم ارتجاعی را حس کرد. جدال جاری در جامعه ایران مقابله اسلام قساوت و اسلام تساهل نیست، جدال ولایت فقیه و قانون نیست، بلکه جدال آزادیخواهی با استبداد و ارتجاع و اسلام در همه اشکال آن است. در سیر تحولی که در پیش است شخصیتهای جلوی صحنه امروز به سرعت بی ربط و محو خواهند شد. در مقابل ارتجاع اسلامی نه خرده اصلاح طلبان امروز، بلکه صف کمونیسم و آزادیخواهی و مساوات طلبی کارگری، صف سکولاریسم پیگیر و ضد مذهب، صف مدرنیسم و صف رهایی بی چون و چرای زن را خواهیم یافت. اینها تمایلات واقعی اکثریت عظیم مردم ایران است که امروز زیر حجاب اختناق پنهان است و میروود که آینده سیاسی ایران را بسازد.

مهاجرانی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، در کنفرانس یونسکو در استکهلم، مورد حمله مخالفان رژیم قرار گرفت

در کنفرانس فرهنگی یونسکو که بمدت چهار روز از ۱۰ تا ۱۳ فروردین ۷۷ (۳۰ مارس - ۲ آوریل ۹۸) در استکهلم برگزار شد، هیئتی از رژیم اسلامی به سرپرستی عطاالله مهاجرانی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و سخنگوی دولت خاتمی شرکت داشت. در تمام چند روز برگزاری کنفرانس، مخالفان رژیم در مقابل محل کنفرانس، بعنوان اعتراض به حضور هیئتی از رژیم جنایتکار و آزادی کش جمهوری اسلامی، به اعتراض پرداختند و در چند مورد مهاجرانی و هیات همراه او را مورد تعرض قرار دادند. تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران در اطلاعیه ای با عنوان: "مهاجرانی نماینده رژیم صد هزار اعدام، مورد حمله مخالفین رژیم اسلامی در استکهلم قرار گرفت"، خبر میدهد که روز ۱۱ فروردین (۳۱ مارس) مهاجرانی و عباس معروفی نویسنده طرفدار رژیم، بطور جداگانه، مورد حمله مخالفین رژیم اسلامی و تظاهر کنندگان بیرون ساختمان کنفرانس قرار گرفتند. تظاهر کنندگان به طرف مهاجرانی تخم مرغ و گوجه فرنگی پرتاب کردند. پلیس با همکاری یکی از همراهان مهاجرانی چند نفر از تظاهر کنندگان را دستگیر کرد که با اعتراض شدید تظاهرکنندگان ناچار شد آنان را آزاد کند. مهاجرانی وزیر سانسور و اختناق فرهنگی رژیم اسلامی در مصاحبه ای با رادیو پژواک سوئد، گفت "معتقدم که هموطنان حقشان است که مخالف جمهوری اسلامی باشند و آنرا ابراز کنند. اما مخالف پرتاب تخم مرغ و گوجه فرنگی و رنگ هستم. زیرا در آستانه سال دوهزار پرتاب تخم مرغ مشکلی را حل نمیکند." اطلاعیه تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری پس از نقل این گفته مهاجرانی، ادامه میدهد: "باید از این مجسمه های وقاحت و جنایت پرسید شما که مخالف پرتاب تخم مرغ هستید چرا زنان را سنگسار میکنید؟ اگر مخالفین جمهوری اسلامی میتوانند نظرشان را ابراز کنند، چرا زندانهایتان مملو از آزادیخواهان است؟ چرا اعدام میکنید؟ چرا کارگران و کمونیستها را به گلوله میندازید؟ چرا به دختران نه ساله تجاوز اسلامی میکنید؟ چرا آپارتاید جنسی را به زندگی و هستی نیمی از جامعه حاکم کرده اید؟ چرا ماشین شکنجه و اعدام و سنگسار رژیم تان بیست و چهار ساعته کار میکنید؟"

در سومین روز کنفرانس فرهنگی هم تظاهرات مخالفان رژیم علیه حضور هیئت رژیم اسلامی در این کنفرانس ادامه یافت و مهاجرانی و هیئت همراه او مجدداً مورد حمله قرار گرفتند. طبق اطلاعیه مطبوعاتی تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - سوئد، علیرغم تدابیر ایمنی وسیعی که از طرف پلیس در اطراف ساختمان برای حفظ هیئت رژیم از خشم مخالفین و تظاهرکنندگان بعمل آمده بود، با ورود هیئت رژیم در میان اسکورت پلیس، ماشین حامل مهاجرانی و همراهانش با رنگ و تخم مرغ مورد حمله تظاهرکنندگان قرار گرفت. تظاهرات با سردادن شعار علیه تروریسم رژیم اسلامی ادامه داشت. در این میان تعدادی از فعالین چپ از جمله حزب کمونیست کارگری ایران که در داخل ساختمان کنفرانس بودند، با یکی از اعضاء هیات جمهوری اسلامی درگیر میشوند. همچنین بعد از ظهر همان روز هنگام سخنرانی مهاجرانی یکی از مخالفان معترض که در سالن حضور داشت بسوی او دوید و قبل از اینکه توسط ماموران انتظامی دستگیر شود توانست به نشانه اعتراض تخم مرغی بر سر مهاجرانی بکوبد. در طول چند روز برگزاری کنفرانس، تظاهرات خشم آکین مخالفان رژیم در مقابل محل کنفرانس همچنان ادامه داشت. این حرکت اعتراضی بازتاب گسترده ای در رسانه های سوئد و جهان پیدا کرد بطوریکه رادیو جمهوری اسلامی نیز ناچار شد در سرویس خبری روز ۱۳ فروردین خود، آن را منعکس کند.

طبق اطلاعیه مورخ ۱۴ فروردین (سوم آوریل) تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران: پس از سه روز تظاهرات و افشاکاری نیروهای اپوزیسیون، در اعتراض به حضور هیئت جمهوری اسلامی در کنفرانس یونسکو در استکهلم، مهاجرانی و همراهانش، از ترس آبروریزی بیشتر، از شرکت در روز پایانی کنفرانس صرفنظر کردند و مفتضحانه به ایران بازگشتند. این سفر یک آزمایش و یک شکست سیاسی کامل برای ایشان و رژیمشان بود.

آذر ماجدی

بر سر معصومیت کودکی چه آمده؟

در حاشیه جنایت اخیر دو کودک در آمریکا

صفحه ۴

فاتح شیخ الاسلامی

شادی ویژه در تعطیلی سال نو

به رغم همه مشقات زندگی، زد و خورد تماشائی آخوندها در مجلس اسلامی به تعطیلی سال نو حال ویژه ای داد. میگویند تعریف این ماجرا نقل مجالس دید و بازدید عید بوده و شادی مردم از بهم پریدن آخوندها، که مستقیماً از تلویزیون پخش شده، توصیف ناپذیر است. تنها موردی که "سیمای جمهوری اسلامی" مردم را از ته دل خندانده است! مردمی که روزانه از هر قیام و قعود آخوندها، این نمایندگان رسمی مذهب و رژیم مذهبی حاکم، هزاران جوک میسازند، چشمه ای از جنگ جناحها را در این زد و خورد پارلمانی تماشا کردند و قهقهه سر دادند. جریان چنین بود: وزیر کشور در پاسخ سوالی که چرا به فلان مراسم و بهمان تظاهرات اجازه داده است، می خواست آخوند فهم کند که دیگر به شیوه سابق نمیتوانند حکومت کنند. آخوندی فهم تاب "فهم" این را نداشت به سوی وزیر حمله برد و به صورت آخوندی از جناح دیگر، که سپر وزیر شده بود، چنان سیلی زد که عمامه و عینک طرف به صحن مجلس افتاد و بیا و تماشا کن!

چه شده که این مجسمه های ریا و طمانینه و با سرپنجه راه رفتن، اینچنین روی لومپنی شان را جلو دوربین تلویزیون گرفته اند؟ اسبهای گاری این رژیم بار اولشان نیست که در سربالائی یکدیگر را گاز میگیرند اما کشمکش کنونی، چنانکه در این مدت دیده شده، ورای این حرفهاست. این سراسیمگی ها و بهم پریدنها حاصل ترس همگی جناحهای رژیم از مردم خشمگینی است که عزم خود را برای بزیر کشیدن جمهوری اسلامی اعلام کرده اند.

برای ارتجاع اسلامی، دیگر ادامه حکومت بر مردم ایران ناممکن شده است. اختلاف جناحها بر سر اینست که چگونه این ناممکن را ممکن کنند. یکی صلاح کار را در این میدانند که مردم بجان آمده را به تعدیل رژیم کنونی به یک جمهوری اسلامی لیبرالیته شده با آخوندهای "مدنی" امیدوار کند و بقای خود و نظامش را در گرو اشاعه این توهم می بیند. دیگری مطمئن است "شل کردن" کردن مهار سرکوب همان و پرتاب شدن کل نظام به دره سرنوشتی همان. و مردم از فرصت هر شکاف و هر کشمکش این واگرایی گسترده درون رژیم، با هدف جلوتر رفتن و غیر قابل کنترل تر کردن اوضاع برای هر دو جناح و هل دادن بیشتر رژیم به پرتگاه نابودی استفاده میکنند. قهقهه شادی مردم از تماشای مغلوبه آخوندهای عبا و عمامه افتاده، از امید به همین چشم انداز آب میخورد.

*در کنار بحران عمیق سیاسی، بحران اقتصادی مهلک ناشی از سقوط بهای نفت، حکم رفتنی بودن رژیم را مسجل تر کرده است. این را نه فقط مردم، خود حافظان رژیم هم دریافته اند. درحالیکه رفسنجانی، در طول ریاست جمهوری اش یکبار هم به معضل اقتصادی رژیم اعتراف نکرد، اعتراف خاتمی به بیمار بودن ساختار اقتصادشان و در عین حال پادوئی رفسنجانی برای جلب همکاری سعودی ها در جلوگیری از افت بیشتر بهای نفت، گواه بر همه جانبگی بن بست نهائی رژیم است. نباید به آن فرصت داد.

آزادی، برابری، حکومت کارگری

سخنرانی اختتامیه رحمان حسین زاده در کنگره اول حزب کمونیست کارگری عراق



شما برمیگردند. آنوقت در انتظار تصمیم و اراده آگاهانه و انقلابی شما توده کارگر و زحمتکش برای تحقق امر مشترکمان هستیم. بگذار هر کارگر استعمار شده، مردمان تحت ستم، پلران و مادرانی که با امید فراوان بچه‌هایشان را بزرگ کرده، زنان بیزار از ارتجاع و کهنه‌پرستی، جوانان آرزومند یک زندگی شاد و همه انسانهای متنفر از تحقیر و بی‌حرمتی در این دنیا، بگذار همه آنهايي که خواهان دنیای بهتری هستند، نگاهی به برنامه و سیاست ما بیندازند و خود قضاوت کنند. اگر آرزوها و خواسته‌های خود را با برنامه سیاستهای ما منطبق دیدند، انتظار داریم حزب ما را تقویت کنند و دوش به دوش هم جنبشی را سازمان دهیم که با پایان دادن به حاکمیت سرمایه‌داری و اوضاع مرگبار کنونی، نخستین وظیفه مهم خود را جامه عمل پوشاند.

زنده باد کنگره اول حزب کمونیست کارگری عراق
زنده باد حزب کمونیست کارگری عراق
محکم‌تر باد همسرنوشتی هر دو حزب کمونیست کارگری ایران و عراق
زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری

تلخیص از ایسکرا

رفقا! برگزاری موفقیت آمیز کنگره اول حزب به همه ما، به هر دو حزب کمونیست کارگری عراق و ایران و کلیه کسانی که دلسوزانه چشم انتظار نتایج این کنگره بودند، پیروز باد. در سخنرانی افتتاحیه اشاره کردم که بگذاریم روند واقعی مباحثات و تصمیمات کنگره امکان نتیجه‌گیری و ارزیابی عینی از آن را به دست دهد. اکنون، در این آخرین لحظات کنگره و در فرصتی که هست، بگذارید مروری کنیم و ببینیم در این کنگره چه کردیم و چه به دست آورده‌ایم. نقطه عزیمت کنگره، تثبیت پیشرویهایی تاکنونی و اساساً چشم دوختن به آینده و اتخاذ تصمیمات سیاسی و عملی برای آینده کار حزب بود. به اعتقاد من کنگره در این زمینه بسیار موفق بود. خود مباحثات و تصمیمات کنگره بهترین گواه این واقعیت اند.

ما در این کنگره برنامه کمونیستی دنیای بهتر را تصویب کردیم. ما بر این واقعیت ساده تاکید کردیم که عراق نیز یک جامعه طبقاتی است و تمام کشمکشهای درون آن مهر این واقعیت را بر خود دارند. در این راستا ما برنامه طبقه کارگر و جنبش کمونیستی کارگری را به منظور پایان دادن به دنیای وارونه سرمایه‌داری و بنیاد گذاشتن جامعه کمونیستی طرح و تصویب کردیم. برنامه‌ای را تصویب کردیم که فراخوان فوری ما به انقلاب کارگری و همزمان تلاش برای ایجاد رفرف در جامعه موجود است.

در مبحث حزب و قدرت سیاسی در عراق، مجدداً بر این حقیقت تاکید کردیم که عراق دوران سیاسی حساسی را طی میکند. کشمکش نیروهای گوناگون بورژوازی در ارتباط با قدرت سیاسی در جریان است. جنبش و حزب ما لازمست این دوران را تشخیص دهد و به مثابه یک نیروی دخالتگر در این کشمکش حضور یابد. گفتیم راه حل همه جناحهای بورژوازی، تماماً برای مردم رنج و مصائب اند، کارگر و توده مردم تشنه تغییر وضع موجودند و تنها نیرویی که بتواند اهداف و آرزوی آنها را نمایندگی کند، جنبش ما و حزب ماست که با اعلام برنامه، سیاست و تاکتیک روشن و با سابقهای روشن، نیروی امید این مردم است. با اتکا به این واقعیات تصمیم گرفتیم که از فردای کنگره با تمام توان و امکانات به نحوی عمل کنیم که بیش از پیش جنبش رادیکال کارگری و توده‌ای در راستای به دست گرفتن قدرت سیاسی کانالیزه و قدرتمند شود، به حاکمیت

بخشهای مختلف تشکیلات بیشتر با کار و فعالیت همدیگر آشنا شدند، امری که بدون تردید مجموعه اینها روح همدلی و انسجام بیشتر را در درون حزب موجب شده و میشود. ... رفقا!

فکر میکنم هم‌ما در این نکته متفق‌القول هستیم که کنگره با افق روشنی به کار خود پایان داد. این به همت تلاش جمعی‌مان حاصل شد و به آن افتخار میکنیم. اکنون جا دارد و محترم خطاب به تمامی صفوف حزب کمونیست کارگری عراق، خطاب به حزب کمونیست کارگری ایران، خطاب به رهبر عزیزمان منصور حکمت و خطاب به همه تشکلهای، شخصیتها و کادرها و رفقایي که در پیامهایشان به کنگره توقعات بالای خود را مطرح کرده بودند، اعلام کنیم که تا آنجا که به تلاشهای سیاسی چهار روزه درون سالن کنگره و مباحثات و تصمیمات این گردهمایی برمیگردد، ما با همدلی و همفکری تمام کوشیدیم که جوابگوی نیازهای زمان خود و جوابگوی توقعات بحق شما باشیم.

اکنون و در پایان صحبتیم بگذارید خطاب به توده کارگر و زحمتکش در عراق و در کردستان بگویم ما در این کنگره با تصویب برنامه و سیاست روشن تعهد خود را در مقابل جنبش‌مان، جنبش مشترکمان اعلام و در اجرای آن مصم هستیم. نمایندگان این کنگره با چنین تعهد و تصمیمی به میان

حزب کمونیست کارگری عراق در عین حال در مقابل هر نوع تغییر احتمالی در حاکمیت سیاسی عراق، تلاش میکند، اوضاع به نفع طبقه کارگر و توده محروم تغییر کند.
کنگره اول حزب کمونیست کارگری عراق - فوریه ۱۹۹۸

قرار شماره ۱
 کنگره اول حزب کمونیست کارگری عراق گسترش نیروی مسلح حزب در کردستان برای دفاع از دستاوردهای حزب در مقابل تعرض نیروهای مسلح منطقه و همچنین سازماندهی دفاع تودهای در مقابل تعرض احتمالی رژیم بعث را امری حیاتی در این دوره فعالیت حزب میداند. و از کمیته مرکزی میخواهد که این کار را در اولویت قرار داده و انجام آنرا تضمین نماید.

قرار شماره ۲
 کمیته مرکزی حزب بر ضرورت گسترش نفوذ کمونیسم کارگری در دنیای عرب تاکید میکند و از کمیته مرکزی میخواهد تا این کار را در اولویت تشکیلات خارج حزب قرار دهد و انجام آن را پیگیری نماید.

قرار شماره ۳
 کنگره اول حزب سیاستهای تاکنونی دفتر سیاسی و کمیته رهبری سازمان کردستان حزب در پاسخگویی به مساله کرد در عراق بطور اعم (قطعهنامه دفتر سیاسی در مورد راه حل مسئله کرد در عراق) و راه حل معضل کنونی کردستان بطور اخض (قطعهنامه کمیته رهبری سازمان کردستان حزب در باره پایان دادن به بنیست کنونی و خواست استقلال کردستان) را تایید مینماید.

قرار شماره ۴
 کنگره اول بر ضرورت گسترش فعالیت علیه دولت بعث در خارج کشور تاکید میکند و از کمیته مرکزی میخواهد که اقدامات لازم در این مورد را انجام دهد.

قرار شماره ۵
 کنگره اول حزب کمونیست کارگری عراق بر اتحاد و همسنگری خود با حزب کمونیست کارگری ایران تاکید میبورد و اعلام میکند که هرگونه تعرض به این حزب و رهبران آن را تعرض به حزب کمونیست کارگری عراق میداند. کنگره بعلاوه از کمیته مرکزی میخواهد تا کلیه امکانات خود را برای گسترش فعالیت حزب کمونیست کارگری ایران بکار گیرد.

قرار شماره ۶
 کنگره اول حزب کمونیست کارگری عراق از اقدامات حزب کمونیست کارگری ایران و بویژه نقش منصور حکمت و همچنین فعالیتهای مستقیم رفقا کورش مدرسی و رحمان حسین زاده، که مجموعه این تلاشها نقش اساسی و جدی در شکل‌گیری و ایجاد حزب کمونیست کارگری عراق ایفا نمودند، قدردانی میکند.

قرار شماره ۷
 کنگره اول حزب کمونیست کارگری عراق مجدداً سیاستهای حزب علیه محاصره اقتصادی عراق را تایید میکند. کنگره از کمیته مرکزی میخواهد که مبارزه همه‌جانبه‌ای را علیه این تراژدی انسانی سازمان دهد.

قرار شماره ۸
 کنگره اول حزب کمونیست کارگری عراق از کمیته مرکزی میخواهد، ترتیب ترجمه آثار نظری و سیاسی منصور حکمت در باره کمونیسم کارگری به عربی داده شود و بصورت جزوه و کتاب انتشار یابد.

از ممویات کنگره اول حزب کمونیست کارگری عراق

کنگره اول حزب کمونیست کارگری عراق مجموعه‌ای اسناد سیاسی و برنامه‌ای را تصویب نمود، از جمله برنامه حزب، اصول سازمانی حزب و سند ضمیمه آن، قطعنامه آزادی، برابری، حکومت کارگری، سند استراتژی حزب در کردستان، قطعنامه در مورد سرنگونی رژیم بعث و تعدادی قرار. یک قطعنامه و شماری از قرارها، به شوح زیر، برای درج به ایسکرا رسیده است:

قطعنامه در باره سرنگونی حکومت بورژوا ناسیونالیست بعث عراق

حکومت ناسیونالیستی بعث، حکومت ارتجاع سرمایه‌داریست در عراق. این دولت سمبل وحشی‌گری ملی و عامل بی‌حقوقی کامل انسان و حفظ حاکمیت سرمایه‌داری بر زندگی و سرنوشت کارگران و زحمتکشان است. طبقه کارگر در عراق در مبارزه خود برای بنیاد گذاشتن حکومت کارگری و همچنین برای ایجاد هر نوع بهبود جدی در شرایط کار و زندگی خود و توده محروم در عراق، سرنگونی حکومت ناسیونالیست بعث را چون وظیفه فوری در دستور کار خویش میگذارد. در شرایط سیاسی حساس امروز عراق که آینده رژیم به موضوع کشمکش جناحهای گوناگون بورژوازی جهانی و محلی تبدیل شده و مسئله قدرت سیاسی در میان آلترناتیوهای بورژوازی همچنان باز و تعیین تکلیف نشده است. حزب کمونیست کارگری با بسیج و سازماندهی و هدایت اعتراض و ناراضیاتی طبقه کارگر و توده مردم عراق، برای سرنگونی حکومت بعث و جلوگیری از بر سر کار آمدن هر نوع آلترناتیو بورژوازی دیگر میکوشد.

فقط کارگران میتوانند منتشر شد

اسناد جنبش همستی جهانی با کارگران نفت ایران
 دسامبر ۹۶ - آوریل ۹۷ (آخر ۷۵ - فروردین ۷۶)

مجموعه آثار منصور حکمت منتشر شد

پیشنهاد انتشار مجموعه آثار منصور حکمت در کنگره اول حزب در ژوئیه ۹۴ به تصویب رسید. مجموعه این نوشته‌ها که یک دوره تقریباً ۲۰ ساله از ابتدای انقلاب ۵۷ تا امروز را در بر میگیرد حداقل مشتمل بر هشت جلد حدوداً ۵۰۰ صفحه‌ای در قطع بزرگ خواهد بود. جلد ۸ این مجموعه که شامل نوشته‌های ۵ سال اخیر است چاپ شده. کار تنظیم جلدی اول و دوم و ششم و هفتم نیز رو به پایان است و طی ماههای آینده زیر چاپ خواهند رفت. علاقمندان میتوانند جلد ۸ این مجموعه را از طریق واحدهای حزب یا دایرخانه تهیه کنند. قیمت برای جلد شومیز (Paperback) معادل ۳۰ مارک، و جلد زربوک (Hardback) ۴۰ مارک خواهد بود. نظر به محدودیت تعداد نسخه‌های با جلد زربوک، توصیه میشود علاقمندان هرچه زودتر تعداد مورد نیاز خود را سفارش بدهند.

مجموعه آثار
 جلد ۸
 ۱۹۹۷-۱۹۹۲
 ۱۳۷۶-۱۳۷۷

ایسکرا Iskra

سردبیر: فاتح شیخ الاسلامی
 E-Mail: fa.shaik@swipnet.se

همکار فنی: غلام اکبری

کمپین دفاع از کارگران ایران

اتحادیه های کارگری و فعالین و رهبران سازمانهای کارگری در استرالیا، کانادا، آمریکا، انگلیس و سوئد از مطالبات کارگران ایران حمایت کردند

همزمان با اوج گیری اعتصابات کارگری در فصل تعیین حداقل دستمزدها در ایران، تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری کمپینی خطاب به سازمانهای کارگری جهان، در دفاع از مطالبات و حقوق پایه ای کارگران ایران و علیه سیاستهای ضدکارگری جمهوری اسلامی، فراخوان داد. تشکیلات خارج کشور حزب طی چندین اطلاعیه که به زبانهای مختلف ترجمه شده، سازمانها، رهبران و فعالین کارگری در کشورهای اروپا، کانادا و آمریکا و استرالیا را در جریان مبارزات اخیر کارگران ایران، مطالبات آنها، وضعیت معیشتی طبقه کارگر در ایران و سیاستهای ضدکارگری رژیم گذاشت و خواهان حمایت آنها از کارگران ایران شد. بعلاوه، تماسهای متعددی با اتحادیه ها و فعالین کارگری از طریق شرکت در جلسات آنها و ملاقاتهای حضوری با مسئولین اتحادیه ها برقرار شده است. در نتیجه این اقدامات، طبق شش اطلاعیه مطبوعاتی تشکیلات خارج کشور حزب، تاکنون سازمانها و فعالین کارگری زیر از اطلاعیه های حزب حمایت کرده و با صدور قطعنامه و نوشتن نامه به رئیس جمهور رژیم اسلامی از مطالبات کارگران ایران حمایت و رژیم اسلامی را بخاطر سیاستهای ضدکارگری اش محکوم کرده اند. در این نامه ها از رژیم ایران خواسته شده بلافاصله کارگران زندانی را آزاد کند. لازم به یادآوری است که در اعتصابات ماههای اخیر تعداد زیادی از فعالین کارگری دستگیر شده و هنوز دهها نفر از آنان در زندان بسر میبرند. در زیر نمونه هائی از قطعنامه ها، نامه های سازمانهای کارگری و اطلاعیه های تشکیلات خارج کشور درج میشود:

بخشی از قطعنامه ۵۱ نفر از رهبران و فعالین جنبش کارگری آمریکا

ما از کارگران ایران حمایت کرده و رژیم اسلامی را بخاطر سیاستهای ضد کارگریش محکوم میکنیم

... ما قویا رژیم اسلامی را بخاطر سرکوب مبارزات کارگری، دستگیری و اعدام رهبران کارگری محکوم میکنیم.

رژیم اسلامی بدون هیچ قید و شرطی باید حق اعتصاب و تشکل را، که از حقوق شناخته شده کارگری هستند، به رسمیت بشناسد.

رژیم اسلامی باید فوراً تمام نیروهای پلیسی و امنیتی خود را از محیطهای کار خارج کند.

حداقل دستمزد باید توسط نمایندگان کارگران و نه ارگانهای دولتی تعیین شود.

تمام کارگران بیکار میبایست حق بیمه بیکاری که متضمن یک زندگی انسانی باشد دریافت دارند.

رهبران کارگری در ایران باید بدون هیچگونه ارعابی به رسانهای عمومی و مجامع بین المللی کارگری دسترسی داشته تا بتوانند وضعیت کار و زندگی خود را مطرح نمایند.

رژیم اسلامی فوراً باید تمام کارگران زندانی را آزاد نماید.

ما از تمام سازمانهای کارگری میخواهیم که از کارگران ایران حمایت کرده و با اعمال فشار رژیم اسلامی را وادار به پذیرش خواستهای کارگری نمایند. امضا: (اسامی ۵۱ تن از فعالین و رهبران جنبش کارگری در آمریکا)

طبق اطلاعیه مطبوعاتی شماره ۳ تشکیلات خارج کشور حزب، بتاريخ ۲۳ مارس ۹۸ (سوم فروردین ۷۷)

بدنبال تماس بهزاد بارخدائی، کادر حزب کمونیست کارگری ایران و یکی از مسئولین مرکز کمونیستهای کارگری در سوئد با مسئولین کنفدراسیون اتحادیههای کارگری سوئد LO، که دومیلیون و دویست هزار عضو دارد، روز ۱۹ مارس ۹۸ طی نامهای به سفارت ایران در سوئد از حقوق پایههای کارگران ایران حمایت کرد. در این نامه LO، در ارتباط با مبارزات جاری حول دستمزدها در ایران، از رژیم ایران خواسته است تا بلافاصله اقداماتی را که حق پایههای تشکل و مذاکره را برای کارگران ایران تضمین کند انجام دهد.

اطلاعیه مطبوعاتی شماره ۵

اتحادیههای کارگری کانادا از مطالبات کارگران ایران حمایت کردند و ضمن محکوم کردن جمهوری اسلامی خواهان آزادی فوری کارگران زندانی شدند

بدنبال تماسهایی که فعالین حزب کمونیست کارگری ایران با اتحادیهها و فعالین و رهبران جنبش کارگری کانادا در هفته های گذشته برقرار کردند، چندین اتحادیه کارگری طی نامههای اعتراضی خطاب به محمد خاتمی رئیس جمهور ایران، که رونوشت آنرا برای سفارت ایران در کانادا و حزب کمونیست کارگری ایران ارسال کرده اند، ضمن حمایت از حقوق و مطالبات کارگران ایران، رژیم اسلامی را بدلیل تجاوز به حقوق کارگران و دستگیری و زندانی کردن فعالین کارگری محکوم کردند.

دارل تینگلی رهبر رادیکال و سرشناس جنبش کارگری کانادا و دبیر سراسری اتحادیه کارگران پست کانادا به نمایندگی از طرف پنجاه هزار کارگر پست کانادا، داریل بین دبیر سراسری اتحادیه خدمات عمومی کانادا به نمایندگی از طرف صدوپنجاه هزار عضو این اتحادیه، مانوئل ریس دبیر و خزانهدار اتحادیه بینالمللی کارگران آمریکای شمالی لوکال ۱۰۵۹، دنیس هیلیر رئیس اتحادیه کارگران خدمات لندن و حومه، کمیته حقوق بشر اتحادیه کارگران اتومبیلسازی کانادا لوکال ۲۷، فرد میوزین پریزیدنت اتحادیه کارکنان بیمارستانها در استان بی. سی. کانادا به نمایندگی از طرف ۴۴ هزار نفر عضو این اتحادیه و و گای راموی از طرف کمیته همبستگی پیوند کارگری، با حمایت قاطع خود از حقوق و مطالبات کارگران ایران، خواستار آزادی فوری تمامی کارگران دستگیر شده، خروج فوری پلیس و نیروهای امنیتی از محیط کار، آزادی بی قید و شرط تشکل و اعتصاب، حق انعقاد قراردادهای دسته جمعی و افزایش فوری دستمزدها بر اساس استانداردهای مدرن و انسانی شدند.

حزب کمونیست کارگری ایران همه سازمانهای کارگری و نیروهای آزادیخواه را به حمایت از کارگران ایران، علیه رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی و تلاش برای آزادی فوری و بیقید و شرط کارگران زندانی فرامیخواند.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

۳۰ مارس ۹۸ (۱۰ فروردین ۷۷)

اطلاعیه مطبوعاتی شماره ۶

دهها نفر از رهبران جنبش کارگری بریتانیا از مطالبات کارگران ایران حمایت کردند

و خواهان خروج فوری نیروهای پلیسی و انتظامی از محیط های کار شدند

روز شنبه ۲۸ مارس ۹۸ کنفرانسی تحت عنوان "حقوق مان را پس بگیریم - قوانین ضد اتحادیه ای را لغو کنید!" توسط فعالین و رهبران جنبش کارگری بریتانیا در لندن برگزار شد. در این کنفرانس دهها تن از رهبران و فعالین جنبش کارگری بریتانیا با امضای قطعنامه ای، ضمن محکوم کردن جمهوری اسلامی ایران از خواستهای کارگران ایران پشتیبانی کردند:

- * آزادی فوری کارگران دستگیر شده
- * حق تشکل و اعتصاب
- * خروج فوری نیروهای پلیسی و انتظامی از محیطهای کار
- * افزایش فوری دستمزدها با استاندارد یک زندگی مدرن و انسانی
- * تعیین حداقل دستمزد توسط نمایندگان کارگران
- * حق قراردادهای دستجمعی
- * تعیین حداقل افزایش سالانه نرخ دستمزدها از طریق مذاکره جمعی نمایندگان کارگران با کارفرمایان و دولت
- * بیمه بیکاری مکفی برای همه افراد آماده بکار بالای ۱۶ سال بر مبنای آخرین حقوق دریافتی.

اسامی برخی از امضا کنندگان به قرار زیر است :

- ۱- جیمی نولن (رهبر کارگران بارانداز اعتصابی لیورپول)
- ۲- شرلی وینتر (رهبر کارگران اعتصابی مگنت)
- ۳- باب کرو (معاون دبیرکل اتحادیه سراسری کارگران قطار)
- ۴- پاتریک سیکورسکی (عضو کمیته رهبری اتحادیه سراسری کارگران قطار)
- ۵- دیوید گای (پریزیدنت اتحادیه معدنچیان شمال شرقی انگلستان)
- ۶- مالیکا بیلکو (عضو کمیته رهبری اعتصابیون هلینگدون)
- ۷- شیمس میلن (ادیتور مسائل کارگری روزنامه گاردین)
- ۸- جان پیر برویس (نماینده کنفرانس کارگری برلین و کمپین در دفاع از کنوانسیون سازمان جهانی کار)
- ۹- ج فریزر (کمپین بین المللی در دفاع از حقوق اتحادیه ای)

این قطعنامه همچنین توسط ویک ترنر (شهردار نیوهام و مبارز قدیمی کارگران بارانداز) و جرمی کوربین (عضو پارلمان بریتانیا) به امضا رسیده است.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

۱ آوریل ۹۸ (۱۲ فروردین ۷۷)

* قطعنامه رهبران و فعالین سازمانهای کارگری استرالیا

از آنجائیکه:

در طول مدت ۱۹ سال حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، سرکوب مبارزات کارگران همچنان ادامه داشته، رهبران و فعالین کارگری دستگیر، شکنجه و اعدام شده اند، و بی حقوقی به کارگران ایران تحمیل شده، بنابراین:

- ما با این پیام همبستگی سیاستهای ضد کارگری جمهوری اسلامی ایران را شدیداً محکوم کرده و نقض حقوق کارگران و سرکوب مبارزاتشان را محکوم میکنیم.
- ما امضا کنندگان زیر قویا از مطالبات حزب کمونیست کارگری ایران که بشرح زیر میباشند حمایت میکنیم:
- آزادی فوری کارگران دستگیر شده
- حق تشکل و اعتصاب
- خروج فوری نیروهای پلیس و انتظامی از محلهای کار
- افزایش فوری دستمزدها با استاندارد یک زندگی مدرن و انسانی
- تعیین حداقل دستمزدها توسط نمایندگان کارگران
- تعیین درصد افزایش سالانه دستمزدها از طریق مذاکره جمعی نمایندگان کارگران با کارفرمایان و دولت
- بیمه بیکاری مکفی برای همه افراد آماده بکار بالای ۱۶ سال بر مبنای آخرین حقوق دریافتی (امضای ۲۶ تن از رهبران و فعالین سازمانهای کارگری استرالیا)

ایسکرا میپرسد

در این ستون در هر شماره چند سوال از میان سولاتی که به ایسکرا میپرسد از مسئولان حزب پرسیده میشود. خوانندگان گرامی میتوانند پیشنهادهایشان از حزب را از طریق نامه، فاکس و میل با ما در میان بگذارند.

ایسکرا: چرا فعالین حزب جلسه سرش را بهم زدند؟ سرش هر کی هست، آیا این کار نقض آزادی بیان دیگران نیست؟

منصور حکمت: هدف فعالین حزب بهم زدن جلسه سرش و کسانی نظیر او نیست، بلکه بیان حقایقی به مستمعین اوست، اینکه بلند شدن و بیان این حقایق باعث بهم خوردن جلسه سرش میشود دیگر امری است مربوط به سیر وقایع در آن روز و جلسه معین. البته معنی این حرف این نیست که ما هرگز آگاهانه جلسه کسی را بهم نمیزنیم. ما ممکن است عامدانه مانع تشکیل جلسه فلان شکنجه گر، فلان فاشیست یا فلان مسلمان ضد زن بشویم. این جزو حقوق مدنی ماست، درست نظیر حق پیکت. به این برمیگردم. اما بهرحال، در مورد سرش بطور مشخص رفتاری ما برای افشاکاری و آگاهگری رفتند و لابد وقتی شخصی بعنوان عضو ستاد کمونیست کشتی رژیم اسلام و ایدئولوگ حمله چاقوکشان به دانشگاهها افشا بشود جلسه اش هم با آرامش برگزار نمیشود. ایشان بیاید و علناً از کردار آن دوران اش از مردم ایران پوزش بخواهد و حقوقی را که بعنوان عضو شورای انقلاب فرهنگی در آن سالها دریافت کرده به حساب بازماندگان قربانیان انقلاب فرهنگی اش واریز کند، شاید جلسه اش در آینده با سعه صدر بیشتری از جانب مردم ستم دیده روبرو بشود.

بحث آزادی بیان کاملاً به این موضوع مربوط است. جالب است که عضو ستاد انقلاب فرهنگی رژیم اسلامی بخواهد از کمونیستهایی که در رژیم ساخته دست ایشان غیر قانونی اند و آزادی بیان که سهل است حق حیات ندارند، مقادیروی آزادی بیان طلبکار بشود. در یک تصویر کلی از اوضاع، آقای سرش جزو اردوی سرکوب آزادی بیان و ما در اردوی قربانیان این سرکوبیم. شاکي ماتیم. اما، بحث در این مورد خاص هم در درجه اول بر سر آزادی بیان ماست. بحث آزادی بیان بر سر مصون بودن بیان از دست اندازی قدرت سیاسی و اداری فائقه در جامعه است و نه لال شدن مخالفین آن نظر و آن شخص. آزادی بیان به معنی سرکوب انتقاد نیست. آزادی بیان (که در حقوق مدنی فقط به معنی آزادی گفتار نیست) یعنی آزادی من و شما و هرکس دیگر برای اینکه تجمع کنیم، شعار بدهیم، در جلسه بلند شویم، افشاکاری کنیم، فریاد بزنینم، اعتراض کنیم. آزادی بیان آقای سرش، با عدم ممانعت پلیس آلمان از انجام جلسه وی، تامین شده بود. سوالی اگر باقی بود، آزادی بیان ما و مخالفین آقای سرش در این جلسه بود. هر دادگاه حقوق مدنی حتی در همین اروپای غربی و آمریکای ضد کمونیست هم به آقای سرش و طرفداران "آزادی خواه" او همین جواب را میدهد. این حضرات دارند به آزادی بیان ما اعتراض میکنند و انتظاراتشان را از پلیس آلمان بیان میکنند. تازه دگر اندیش مسلمان ما متأسفانه حتی پالانش هم همان است.

اولین شماره مدوسا،

نشریه کانون زن و سوسیالیسم منتشر شد
به سردبیری آذر ماجدی منتشر شد



رویدادهای ایران

شهلا دانشفر

خانه کارگر جمهوری اسلامی در تدارک تشکیل حزب کارگران!

با روی کار آمدن خاتمی و عمیق تر شدن تشنت داخلی رژیم، از طرفی جنبش اعتراضی کارگری در ایران گسترش و تحرک بیشتری یافته و از طرف دیگر بحران سیاسی رژیم شدت بیشتری پیدا کرده است. برای برون رفت از این شرایط جناحهای مختلف رژیم طی همین مدت دهها حزب و نشریه علم کرده اند. در این میان چیزی بنام "حزب کارگران" نیز توسط جناحی از خود رژیم برپا شده که تحت این عنوان میخواهد مبارزه کارگران را کنترل کند و برای رژیم فرصت بخرد. گسترش اعتراضات کارگری تشکیل چنین "حزب"ی را برای کل رژیم ضروری کرده است. "حزب کارگران" حزب سردمداران خانه کارگر و شوراهای اسلامی، سرحدی زاده و محبوب است که دشمنی شان با کارگران بر هیچکس پوشیده نیست. همه سرحدی زاده وزیر کار سابق جمهوری اسلامی را میشناسند و کارنامه سیاه خانه کارگر و شوراهای اسلامی هم برایشان روشن است. شوراهای اسلامی و خانه کارگر بعنوان نهادهای جاسوسی رژیم در کارخانه ها و ابزارهای سرکوب و مهار اعتراضات کارگری، برکارگران تحمیل شده و همواره انحلال شوراهای اسلامی در کارخانه ها یکی از عرصه های مهم مبارزه کارگران در ایران بوده است. در حالیکه همین امروز کارگران از حق ایجاد تشکلهای واقعی خوب محرومند و هم اکنون بسیاری از کارگران معترض در زندانهای رژیم بسر میبرند و در حالیکه اعتراضات کارگری روز به روز گسترش مییابد، علم شدن "حزب کارگران" از سوی عناصر ضدکارگر شناخته شده ای چون سرحدی زاده و محبوب بدون شک، بیش از هر زمان، با نفرت کارگران جواب خواهد گرفت. طبقه کارگر ایران با پیوستن به حزب واقعی خود، حزب کمونیست کارگری، حزب رهائی انسان از بردگی مزدی، دستگاه دولت اسلامی را درهم خواهند کوبید و حکومت کارگری را بجای آن خواهند نشانند

خلخالی خواهان حقوق بشر اسلامی برای منتظری

خلخالی در نامه ای به خامنه ای بتاريخ سوم فروردین، به محدودیتهای اعمال شده علیه منتظری اعتراض کرد و از خامنه ای سوال کرد اینست معنی حقوق بشر اسلامی؟ خلخالی در نامه خود خواهان مصونیت منتظری بعنوان مرجع و مجتهد شد.

افزایش بهای مواد سوختی در ایران

علیرغم سقوط بهای جهانی نفت، رادیوی رژیم روز ۱۳ فروردین از افزایش بالای بهای مواد سوختی خبر داد. بنزین بدون سرب از ۱۶ به ۲۰ تومان و بنزین سوپر از ۲۲ به ۲۸ تومان رسیده است. افزایش اعلام شده مواد سوختی در مجموع بین ۳۰ تا ۵۰٪ است.

شهر مریوان: درگیری مردم و مزدوران رژیم در شب سال نو

شب سال نو در شهر مریوان، مردم در خیابانها و بلندیهای اطراف به شادی و پایکوبی پرداختند و آتش روشن کردند. نیروهای سرکوبگر رژیم اسلامی که از هر حرکت جمعی مردم لرزه به جانشان میافتد سعی کردند از تجمع و از شادمانی دسته جمعی آنان جلوگیری کنند. اما مردم با خشم و هیجان درمقابل زورگویی آنها ایستادند. در خیابان "وصال" کار به درگیری کشید و مردم با هو کردن نیروهای رژیم به طرف ماشینهایشان سنگ و پاره آجر پرتاب کرده و آنها را فراری دادند. بار دوم مزدوران رژیم با نیروی بیشتری به مردم حمله آوردند که باز هم با مقابله گسترده مردم روبرو شدند. مقامات رژیم ناگزیر، برای جلوگیری از ادامه درگیری و تجمع مردم، در مسیر تمام معابر شهر، از چهار راه بایوه تا چهار راه شبرنگ، هر ۲۰ متر تعدادی مزدور مسلح مستقر کردند. در این درگیریها مزدوران رژیم چهار نفر جوان را دستگیر کردند که بر اثر اعتراض مردم، پس از ساعاتی آزاد شدند.

اطلاعیه مطبوعاتی

کنفرانس سراسری کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان در ایران در روزهای ۲۰ و ۲۱ مارس با حضور ۴۵ نفر از اعضا و فعالین کمپین در شهر گوتنبرگ سوند برگزار شد. بحث و بررسی فعالیت دور گذشته کمپین، تحولات سیاسی ایران و دوره آتی فعالیت از جمله مباحث طرح شده در کنفرانس بود. در این نشست نمایندگان از آلمان، دانمارک و سوند شرکت داشتند. از جمله مصوبات این کنفرانس قطعنامه ای در رابطه با ضرورت ارتباط، دیالوگ و همکاری نزدیک تر با سازمانها و فعالین مبارز حقوق زنان در افغانستان و همچنین قطعنامه ای در حمایت از "مدوسا" نشریه کانون زن و سوسیالسم بود. در این نشست مریم کوشا به اتفاق آرا بعنوان هماهنگ کننده سراسری کمپین انتخاب شد.

کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان در ایران

۹۸/۳/۲۲

نگاهی به اخبار جهان

آذر ماجدی

بر سر معصومیت کودکی چه آمده؟ در حاشیه جنایت اخیر دو کودک در آمریکا

هفته پیش فاجعه ای در یک شهر کوچک در ایالت آرکانزاس، جامعه آمریکا را شوکه کرد. دو کودک ۱۱ و ۱۳ ساله با یک نقشه دقیق و ازبیش طرح ریزی شده، که تصور میشود فقط از دست تروریست های با سابقه و گانگسترهای مافیایی ساخته باشد، ۴ کودک همکلاسی خود و یک معلم باردار را بقتل رساندند.

یکی از بچه ها واث پدرش را میدزدد. ماشین پر از اسلحه و مهمات و وسایل لازم برای متواری شدن است. قبل از انجام عملیات، آژیر آتش سوزی بصدرا میاید و تمام کلاسها خالی میشود و شاگردان و معلمین به حیاط میآیند. دو کودک در حالیکه خود را استتار کرده بودند از جنگل کنار مدرسه بیرون میایند و بطرف مدرسه آتش میکشایند. یک عملیات تروریستی دقیق و حساب شده.

چرا این بچه ها دست به چنین جنایتی زدند؟ هنوز روشن نیست. انتقام از تنبیه معلم؟ انتقام از دختری که به التفاتات یکی از آنها کم محلی کرده است؟ اینها حدسیات رسانه هاست.

ولی مهم نیست چرا این دو بچه دست به چنین جنایت فجیعی زدند. مساله اصلی اینجاست که چطور دو بچه میتوانند نه تنها دست به جنایت بزنند، بلکه اینچنین دقیق و حساب شده جنایت خود را طرح ریزی می کنند و به انجام می رسانند. این چگونه جامعه ای است که میتواند دو کودک را، که باید مشغول فوتبال و کشتی گرفتن در حیاط مدرسه باشند، دو بچه ای که بقول یک وکیل آمریکایی از پیدا کردن قابلمه غذایشان هم معمولاً عاجزند به چنین وضعیت فکری و روحی میرساند. بر سر معصومیت کودکی چه آمده است؟ تفنگهای پلاستیکی جایشان را به مسلسل داده اند و قتل دسته جمعی همکلاسیها جای بازیگوشیهای ماجراجویانه و کودکانه را گرفته اند. این چه کابوس ترسناکی است که باید بعنوان پدر و مادر، یا بعنوان عضوی از این جامعه بشری، با آن دست و پنجه نرم کنیم؟

عده ای علت این جنایت و جنایت های مشابه آنرا، که چندین مورد آن اخیراً در آمریکا اتفاق افتاده است، در افزایش سرسام آور فیلم های خشن و برنامه های کامپیوتری خشن میدانند. عده

ای علت را در محیط همان خانواده هایی که این بچه ها در آن پرورش یافته اند جستجو میکنند، و حتی خواهان آن هستند که پدران و مادران این بچه ها محاکمه شوند، عده ای بدنبال پیدا کردن آسیب مغزی و بیماری روانی در این دو کودک میگردند، هر یک از این عوامل شاید در این فجایع نقش بازی کرده باشند. ولی در این میان فرهنگ نفرت و نژاد پرستی و زن ستیزی و رقابت خشن، یعنی ایدئولوژی حاکم بر جامعه نیز اگر نه بعنوان متهم اصلی میباشد بعنوان یکی از شرکای اصلی در چنین جنایات هولناکی بر صندلی متهم بنشیند.

ولی در این مهلکه گیجی و کرحی و خشم و نفرت و هراسی که این جنایت آفریده است، همانطور که از سیاستمداران و بخش اعظم دستگاه قضایی آمریکا انتظار میرود، سفت و سخت تر کردن مجازات کودکان، و گشتن بدنبال راهی قانونی برای محاکمه کردن این دو بچه بعنوان دو آدم بزرگسال، به هم و غم این دسته بدل شده است. ایدئولوژی قصاص طلب حاکم بر جامعه آمریکا در مقابل هر فاجعه ای بجای آنکه دست بر ریشه بگذارد سراغ انتقام و تنبیه و مجازات و بستن در دهان وابستگان قربانیان میرود. فقط تصور کنید که دو کودک ۱۱ ساله و ۱۳ ساله، هر چه گناهشان و جرمشان، قرار باشد تمام عمرشان، یا بخش اعظم عمرشان را در زندان هایی بگذرانند، که خشونت و تجاوز در آن بیاد میکند. این چه جامعه ای است که خشونت و نفرت رساترین پیام آن به انسانهاست؟

محسن رسام

اعتصاب کارگران پست در بیرمنگام انگلستان

روزهای ۱۹ و ۲۰ و همچنین ۲۲ مارس کارگران پست در بیرمنگام با دست کشیدن از کار و اعلام اعتصاب، بار دیگر علیه کارفرمایان دست به اعتراض زدند. در این اعتصاب ۱۶۰۰ تن از کارگران شرکت کردند و با پیکت کردن در خط اعتصاب و پافشاری بر خواست احتساب زمان اضافه کاری با حقوق متعارف، خواهان اجرای قراردادی شدند که مدیریت با زیر پا گذاشتن آن در صدد بود دستمزد اضافه کاریها را قطع کند. سطح دستمزد کارگران پست ۱۱ هزار و ۵۰۰ پوند در سال است که کفاف هزینه زندگی را نمی دهد. به علت عدم تناسب دستمزدها با حداقل زندگی، کارگران علیرغم میل خود، خواستار ابقای اضافه کاری هستند. این خواست یکی از دردآورترین مطالبات تدافعی کارگران برای مقابله با فقر روزافزون در جامعه غیرانسانی سرمایه داری است.

در پاسخ به اطلاعیه ای از اتحاد چپ کارگری

اخیرا اطلاعیه ای از اتحاد چپ کارگری واحد لندن بدست ما رسیده است که اطلاعیه ای از اعظم کم گویان، کادر حزب، در پاسخ آقای اسماعیل خوئی را بهانه حمله به حزب کمونیست کارگری قرار داده اند. در پاسخ به این دوستان لازم است نکات زیر را یادآوری کنیم:

۱- حزب کمونیست کارگری اطلاعیه های شخصی اعضا و کادرهای خود را، حتی به تقاضای دوستان گرامی اتحاد چپ کارگری، سانسور نمیکند! کادرهای حزب بعنوان شهروندان جهان در مورد مسائل مختلف سیاسی و اجتماعی اطلاعیه میدهند و حرف خودشان را میزنند. ما از چند و چون حقوق اعضا، در اتحاد چپ کارگری بیخبریم، اما حقوق مدنی کسی با عضویت در حزب کمونیست کارگری از او سلب نمیشود (رجوع کنید به سند اصول سازمانی حزب). این سنت ماست. اتحاد چپ کارگری البته خود داند.

۲- در عین حال مسئولیت محتوا و لحن اطلاعیه های شخصی همانطور که رسم همه دنیا است به عهده خود نویسنده است و نه سازمانها و نهادها و مجامعی که فرد در آن عضو است. اینها در اطلاعیه شان با تقلای زیاد و از جمله با اطلاق "کادر رهبری حزب" به رفیق کم گویان خواسته اند تا مساله را به حزب بچسبانند و آنرا دستاویز حمله سکتاریستی و خصومت ورزی های متداول خود با حزب قرار دهند. دوستان عزیز، اسامی اعضای رهبری این حزب بر خلاف سنت شما علنا و بمناسبتهاهی مختلف اعلام شده است. با اینحال حتی اگر رفیق کم گویان عضو رهبری حزب هم میبود هنوز اعلامیه شخصی وی سند رسمی حزب محسوب نمیشد. نباید فهم این مساله خیلی سخت باشد.

۳- ادعا کرده اند که نگران لحن اطلاعیه اعظم کم گویان و "بلوغ سیاسی اپوزیسیون و کل جامعه مدنی" هستند. ما این ادعا را وقتی جدی میگیریم که عزیزان اتحاد چپ کارگری یک نسخه از اطلاعیه های قبلی شان در مورد فحشنامه های تاکتونی جناب آقای اسماعیل خوئی و یارانش که خوشبختانه یا متأسفانه حزب کمونیست کارگری تنها سوژه آن نبوده است، را به آدرس ما هم پست کنند!

۴- اما یک چیز پاسخ میخواهد. بیش از یک سال است که فعالین حزب کمونیست کارگری در مقالات و اطلاعیه های خود چرخش کانون نویسندگان به طرف رژیم، اسلامی شدن و دفاع از شعائر اسلامی در صفحات اول نشریه کانون نویسندگان، و حمله آنها به کمونیستها را افشا کرده اند. در تمام این مدت اتحاد چپ کارگری و گروههای تشکیل دهنده آن ساکت بوده اند. در کل این ماجرا تنها چیزی که سازمان گرانقدر اتحاد چپ کارگری مهم دانسته و لازم دیده است در مقابل آن موضعگیری کند لحن یک اطلاعیه شخصی یکی از کادرهای این حزب بوده است! آیا نباید اینرا بحساب همسوئی با کانون نویسندگان، اسماعیل خوئی و کل روندهای درون این صنف در این یکسال اخیر گذاشت؟

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - واحد بریتانیا

۳۰ مارس ۹۸

آدرسهای تماس و حسابهای بانکی حزب کمونیست کارگری ایران

K.A.K Box 29065 100 52 Stockholm Sweden	Postfach 103137 50471 Köln Germany	BM Box 8927 London WC1N 3XX England	W.P.I Box 719stn.P Toronto, ONT .M5S 2Y4 Canada
--	--	---	--

Postgiro: 4492709-3 K.A.K Box 29065 100 52 Stockholm Sweden	Z.I.KONTO: 17116703 BLZ: 10090000 Berliner Volksbank Germany	Account No:07687 Royal Bank of Canada 10 Eglinton Ave. E Toronto, Ont M4P 2W7 Canada
--	---	--

Fax: (46) 08-659 82 22
E.Mail: 100260,3324@compuserve.com

تلفن تشکیلات خارج کشور
۵۸۸۵۸۳۶-۰۷۰-۴۶
دوشنبه، چهارشنبه، جمعه ساعت ۱۴-۱۱

از صفحه حزب در اینترنت

دیدن کنید:

http://www.wpiran.org

به حزب کمونیست کارگری ایران کمک مالی کنید

از نشریات داخل

جامعه (۲۸ اسفند)

(از قول آیت الله موسوی اردبیلی) "دانشجویان و دانشگاهیان از ما جدا شده اند، زنها از ما جدا شده اند، جوانها از ما جدا شده اند. چه کسی برای ما باقی مانده است؟"

فرهنگ توسعه (ویژه زنان، اسفند ۷۶)

"خودکشی در ایران در مجموع چهره ای زنانه دارد. از نظر تعداد خودکشی نسبت به جمعیت، دو استان کهگیلویه و بویراحمد و مازندران، مقامهای اول و دوم را در سال ۱۳۷۲ دارا بودند. در استان لرستان که ۶۷٪ خودکشی ها مختص زنان بوده و غالباً بیسودی و فقر اقتصادی در میان آنها رواج کامل داشته (اکثراً از طبقات متوسط و پایین جامعه) سه علت اصلی خودکشی ها به ترتیب اعتیاد خود، همسر یا فرزند (۱۵/۲٪)، فقر مالی (۱۳/۹٪) و بیماریهای روانی از جمله افسردگی (۱۲٪) بوده. در بین خودکشی های ناموفق به ترتیب فقر مالی و بیکاری (۲۵٪)، بی سروسامانی جوانان (۱۶/۷٪) و سپس بیماریهای روانی (۶/۷٪) قرار دارد. در استان ایلام که ۸۰٪ خودکشیها در بین زنان جوان صورت گرفته، انگیزه خودکشی در ۱۸٪ موارد افسردگی بیش از حد، ۱۴٪ تهمت ناموسی و ۸٪ فقر مالی گزارش شده است. در گنبد، ترکمن صحرا و گیلان علل عاطفی و خانوادگی (اختلافات زناشویی، چندهمسری، شکست در تحصیل ...) و بیماریهای جسمی و روانی (ازجمله اعتیاد و الکلیسم) و علل اقتصادی، بترتیب مهمترین انگیزه های خودکشی بوده است. عامل اقتصادی و بخصوص جایگاه زنان در آن هر روز نقش مهمتری را در روند صعودی خودکشی ایفا میکند. در استان گیلان طی سالهای ۶۷ تا ۷۰ نقش علل اقتصادی در روند خودکشی حدود دوبرابر شده است.

آبیدر (نشریه ای از سنندج ۱۶ اسفند)

(الو آبیدر) _ از سقز تماس میگیرم: تعدادی از مدارس سقز مدت دو هفته است فاقد سوخت هستند و تعداد فراوانی از شاگردان به همین سبب دچار سرماخوردگی شدید و مریضی شده اند. _ از سوی جمعی از جوانان و نوجوانان سنندجی: عمده ترین مشکل جوانان بیکاری است. بعد از آن فراوانی مواد مخدر و عدم مبارزه با آن و عدم امکانات فرهنگی، ورزشی و هنری.